

عبدکریم

زندگی نامه عارف مجاهدی که اولین کانون مذهبی مستقل را تشکیل داد

ریشه

پدرش مردی با ایمان و غیرتمند بود که از راه نفت‌فروشی امرار معاش می‌کرد. توزیع نفت کاری پردرآمد محسوب نمی‌شد و معمولاً افرادی که این کار را به عنوان شغل‌شان انتخاب می‌کردند، درآمدی داشتند که در تعریف «بخور و نمیر» می‌گنجید. با این حال پدر و مادر خانواده تمام تلاش‌شان این بود که در اوج دوران خفقان سیاسی و دینی، فرزندان‌شان با ایمان و با عشق به اهل بیت (ع) بزرگ شوند.

اسم خفقان آمد... لازم شد این را اضافه کنم که از سال ۱۳۱۰ تا پایان حکومت رضا شاه، بیشترین خفقان و تلاش برای تضعیف دینداری و روحانیت به کار بسته می‌شد و به حق باید گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، هیچ حکومتی به اندازه حکومت بیست ساله رضاخان دین و دینداران را تحت فشار قرار نداده بود.

آغاز راه خدا

سید عبدالکریم، متولد ۱۳۱۱ بود. ۹ ساله بود که رضاخان مجبور به ترک خاک ایران شد و محمدرضا پهلوی به جای پدرش به تخت سلطنت نشست.

سید عبدالکریم به تشویق پدر، همزمان با تحصیلات دوره ابتدایی، زیر نظر علمای شهرشان (پهشهر) به تحصیل علوم دینی مشغول شد و بعد از ۴ سال تحصیلات مقدماتی حوزه و مقداری از فقه و اصول را در همان سن کم گذراند. سید آن قدر در یادگیری مباحث دینی جدیت و نبوغ داشت که آیت‌الله کوهستانی (از علمای بنام آن زمان حوزه علمیه مازندران) شخصا پیگیر امور یادگیری او بود تا استعداد فوق‌العاده عبدالکریم نوجوان هدر نرود.

خود سید عبدالکریم همیشه از این دوره زندگی‌اش به عنوان نقطه عطف زندگی اخلاقی و ایمانی‌اش یاد می‌کرد.

تحول زندگی سید

سید آن قدر با استعداد و تشنه یادگیری بود که بعد از چند سال آیت‌الله کوهستانی او را تشویق می‌کند تا برای پیشرفت بیشتر راهی حوزه علمیه قم شود و یک راست برود سراغ «شیخ علی کاشانی». شیخ علی کاشانی که از وارستگان زمان خودش محسوب می‌شد، استاد اخلاق سید عبدالکریم شد و سید را چنان مجذوب مقامات عرفانی

خودش کرد؛ به طوری که اطرافیان به او لقب «یار غار شیخ علی» را دادند. سید عبدالکریم بعد از اتمام دروس سطح و مقدمات، درس فقه و اصول را هم نزد آیت‌الله بروجردی و حضرت امام خمینی یاد گرفت و مجموعاً ده سال را در حوزه علمیه قم گذراند.

آغاز زندگی سلیسه

پس از فوت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، سید عبدالکریم به مشهد نقل مکان کرد و آن جا علاوه بر تدریس فقه و اصول برای طلاب، در جلسات درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی شرکت می‌کرد.

سال ۱۳۴۰ در حقیقت شروع فعالیت‌های سیاسی سید علیه رژیم پهلوی بود.

سید در ابتدا با برپایی جلسات تبلیغی وعظ به آگاهی و بیداری مردم می‌پرداخت و بعد از جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سفرهای تبلیغی‌اش را به شهرهایی مثل نیشابور، چالوس و... آغاز کرد و با طرح مسائل جدید روز، سئوالات و شبهات دینی و اجتماعی مردم را پاسخ می‌داد و در کنار آن اذهان مردم را نسبت به حکومت جائر پهلوی روشن می‌کرد.

تبلیغ سیستماتیک

در سال ۱۳۴۳ سید عبدالکریم ما، با همکاری دوستانش کانونی را راه‌اندازی کرد که در آن زمان یک نوآوری هوشمندانه تلقی می‌شد: «کانون بحث و انتقاد دینی».

ساواک در گزارش خود به نقل از اساسنامه این کانون می‌نویسد: «این کانون مجمعی مستقل و مذهبی است که به هیچ حزب سیاسی بستگی ندارد و شرکت در آن برای پاسخ گفتن به شبهات دینی برای عموم آزاد است».

اما ساواک که از ابتدای فعالیت‌های تبلیغی سید عبدالکریم، او را سایه به سایه زیر نظر داشت، بار دوم در اصلاح گزارش قبلی‌اش را به این صورت اصلاح می‌کند: «به طور کلی وظیفه کانون برای پاسخگویی به شبهات دینی، بهانه است، بلکه این کانون مرکز فعالیت‌های مضره (سیاسی و ضد رژیم) است».

زندگ پشتر زندگ

سید که از سال ۴۰ به صورت رسمی و آشکار به فعالیت سیاسی بر علیه رژیم پهلوی اقدام می‌کرد، برای اولین بار، همزمان با دستگیری امام خمینی (پیش از حادثه ۱۵ خرداد ۴۲) دستگیر شد که علت روشنی برای این دستگیری عنوان نشده بود. سید ۴۱ روز در زندان شهرتانی کل کشور بازداشت بود و در ۴۲/۴/۲۴ آزاد شد.

بار دوم، فردای روزی که به مناسبت ایام فاطمیه از طرف مسجد فیل مشهد برای سخنرانی دعوت شده بود بازداشت شد که جرم این بازداشت سخنرانی بر علیه قانون کاپیتالاسیون و اعتراض به سیاست‌های محمدرضا پهلوی بود. البته خود جریان دستگیری سید در مسجد فیل، ماجرایست که فرصت برای بیانش نیست. همین قدر بدانید که سید این بار بابت بازداشتش و در جریان محاکمه تا پای اعدام رفت، ولی به لطف اهل بیت (ع) به دو ماه زندان قابل خرید محکوم شد. سید، برای بار سوم در سال ۱۳۵۴ و در جریان اعتراض به کشتار دسته جمعی طلاب قم دستگیر شد و به دو سال حبس محکوم شد.

فعالیت‌های انقلابی سید به همین موارد ختم نمی‌شود و این سید بزرگوار از سال ۵۶ و بعد از آزادی از زندان دو ساله، این بار با مقام معظم رهبری در مشهد هم خانه شد و به پخش اعلامیه‌های حضرت امام و فعالیت‌های روشنگرانه علیه پهلوی می‌پرداخت.

فعالیت‌های پس از انقلاب

سیدی که در تمام متن از آن حرف زدیم، کسی نیست جز «سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد» روحانی مبارزی که نقشی اساسی در حفظ پادگان‌ها در بهیوه پیروزی انقلاب داشت و پس از آن هم سفرهای متعددی به کشورهای مختلف برای معرفی انقلاب اسلامی ایران و پاک کردن تصورات غلط کشورهای منطقه در مورد انقلاب اسلامی ایران داشت. شهید هاشمی‌نژاد که پس از تشکیل مجلس خبرگان نقشی اساسی در تصویب قانون حیاتی ولایت فقیه داشت، به شدت مورد غضب منافقان بود و سرانجام در هفتم مهرماه ۱۳۶۰ به دست این گروهک تروریستی به شهادت رسید.

منبع

۱. انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی.
۲. ماهنامه شاهد یاران.

